
رابطه پیشرفت تحصیلی و سرمایه اجتماعی

دکتر افسانه وارسته فر^۱، دکتر حمیده زیان باقری^۲

چکیده

جامعه امروز ما نسبت به دهه‌های گذشته حتی گذشته‌های نه چندان دور از رشد قابل ملاحظه‌ای در پیشرفت تحصیلی برخوردار شده و تحصیلات دانشگاهی امری فراگیر در زندگی جوانان است. این مقاله نشان می‌دهد که آیا پیشرفت تحصیلی زندگی اجتماعی بهتری را به ارمغان آورده به عبارت دیگر ارتباط مستقیم معناداری بین پیشرفت تحصیلی به عنوان متغیر مستقل و سرمایه اجتماعی به عنوان متغیر وابسته مشاهده می‌گردد؟ روش تحقیق پیمایشی بوده و جمع‌آوری داده‌ها با ابزار پرسشنامه‌ی محقق ساخته انجام گرفته است. جامعه آماری، نوجوانان شاغل به تحصیل در مقطع راهنمایی تحصیلی برپایه آمار رسمی اداره کل آموزش و پرورش شهر تهران می‌باشد. نمونه‌گیری که اهمیت به‌سزایی در تعمیم‌پذیری نتایج این پژوهش‌های میدانی دارد به صورت ترکیبی و مرحله‌ای با روش هدفمند، سهمیه‌ای و تصادفی با استفاده از فرمول کوکران محاسبه شده و ۱۹۵ نمونه مورد پرسش کارشناسی قرار گرفته‌اند. با دست‌بندی و توصیف یافته‌های تحقیق، همبستگی بین شاخص‌های متغیرها به روش کندال محاسبه گردیده و نتایج به‌دست آمده با نظریه سرمایه اجتماعی از رویکرد نظری تعامل متقابل نمادین تبیین و تحلیل می‌گردد. مشاهده می‌شود هرچند تاثیر سرمایه اجتماعی در گسترش سرمایه انسانی از جمله پیشرفت تحصیلی مورد تایید نتایج پژوهش‌های انجام شده است، رابطه عکس بین این متغیرها معنی دار به نظر نمی‌رسد و گسترش سرمایه اجتماعی نیازمند سازوکار مستقل اجتماعی از پیشرفت تحصیلی می‌باشد.

واژگان کلیدی: سرمایه اجتماعی، سرمایه انسانی، پیشرفت تحصیلی، نوجوانی، جنسیت، ناهنجاری اجتماعی.

تاریخ اکسپت: ۹۶/۷/۲۸

تاریخ دریافت: ۹۶/۱/۱۷

Academic achievement and social capital

Abstract

Our Society Today Over the past decade even not-so-distant past have been the considerable growth in academic achievement and College education is pervasive in the lives of young people. This paper shows that Is academic achievement has brought better social life, in the other words, do be Observed Significant direct relationship between the achievement as the independent variable and Social capital as the dependent variable?

Research Methodology is Survey and Collecting data has been done by the self-made questionnaire. Statistical Society is Teenagers studying in guidance school According to official statistics Department of Education in Tehran. Sampling that is very important in the generalizability of the results of this research field is calculated to form Combined and Stage by Targeted approaches, Quota and Random by Cochran

^۱ هیئت علمی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن

^۲ دانش آموخته فلسفه اجتماعی آکادمی علوم جمهوری تاجیکستان

formula and ۱۹۰ Samples have questioned. By categorizing and describing the findings, the correlation between the index variables is calculated by Kendall method and the results are explained and analysis by social capital theory of symbolic interaction theory approach.

It be seen However, The impact of social capital on human capital development, Including academic achievement, It confirms the results of research, Significant inverse relationship between these variables do not seem and The development of social capital needs to be independent social mechanism of educational attainment.

Key word: Social capital, Human capital, Academic achievement, Teenager, Gender, Social anomie

مقدمه

تحولات سریع حوزه‌های مختلف اجتماعی، علمی و فرهنگی، بازخوانی و بازنگری ایده‌ها، روش‌ها و ابزارها را اجتناب ناپذیر ساخته است. گاهی از خود می‌پرسیم، تلاش ما برای افزایش پیشرفت تحصیلی فرزندان، زندگی بهتری را به ارمغان می‌آورد؟ جامعه با جانشینی نسلی به جای نسل پیشین دوام می‌یابد که آمادگی‌های لازم و کافی برای مشارکت فعال در زندگی اجتماعی و فرهنگی را کسب نماید. این فرآیند که از طریق یک سلسله کنش‌های متقابل اجتماعی^۱ اتفاق می‌افتد، امروزه اصطلاحاً آموزش و پرورش نامیده می‌شود. ضمن آنکه در چنین کنش‌های متقابلی، یک طرف قصد آماده سازی داشته و طرف دیگر در معرض آماده سازی قرار دارد. آموزش و پرورش در این معنا مشخصاً یک پدیده اجتماعی^۲ و متضمن کنش‌های اجتماعی^۳ است. کنش‌هایی که با افراد سر و کار داشته و از سوی آنان واکنش‌هایی^۴ را بر می‌انگیزد.

بیان مسئله

آموزش‌های علمی مبتنی بر فرآیند یادگیری بیش از هر عامل دیگری انسان را قادر به تغییر محیط خود می‌سازد. از دلایلی که علاقه جامعه‌شناسان را به مطالعه آموزش و پرورش برانگیخته، تشخیص ساده این واقعیت است که آموزش و پرورش از هر دو جنبه رسمی و غیر رسمی نقش بسیار مهمی در رفتار فردی و اجتماعی بازی می‌کند و برای فهم رفتار فردی، گروهی و جمعی شناخت ماهیت آموزش و پرورش ضرورت تام دارد. مدرسه به عنوان عرصه‌ای برای کسب آموزه و تجربه در نوع نگرش و کنش حین تحصیل و پس از تحصیل دانش‌آموزان تاثیر می‌گذارد. آموزش و پرورش رسمی به شکلی که امروزه می‌شناسیم کلیدی است که درب

۱. social interaction

۳. social action

۵. Modernization

۲. social phenomenon

۴. reaction

۶. pluralistic

نوسازی^۵ جامعه را می‌گشاید و برای پاسخگویی به نیازها و مسائل روزافزون فرهنگ جامعه شهری- صنعتی به وجود آمده است. در جوامع متکثر^۶ که از اقوام و نژادهای چندگانه تشکیل شده و ارزش‌های متفاوت و حتی متضادی در آن رایج است، از آموزش و پرورش رسمی انتظار می‌رود هنجارهای یگانه سازی برای همزیستی اجتماعی دانش آموزان با خواستگاه های متفاوت اجتماعی مانند تفاوت های فردی، خانوادگی، قومی، زبانی و طبقه اجتماعی و ... به آموزشگاه ها سرازیر شود. یکپارچه سازی آنها در چارچوب کلاس و مدرسه، مستلزم فهم عمیق این تفاوت‌های اجتماعی و اثرات آنها بر یادگیری است. در حالی که دانش آموزان به عنوان کنشگر در خردترین سطح تعامل در محیط های آموزشی، در دوره محدودی از شبانه روز و زندگی خود تحت اقتدار آموزش و پرورش رسمی در مدرسه اند، تجربه اجتماعی بیرون از مدرسه در شکل دهی سبک زندگی مانند ساعات صرف شده در مدرسه اثر می‌گذارد و زمان نامحدودی از اوقات خود را تحت تاثیر کنش‌های غیررسمی، نزد خانواده و رسانه‌های جمعی و... می‌باشند. برای کنترل و محدود کردن تاثیر عوامل محیطی خارج از نهاد آموزش و پرورش و داشتن سهم بیشتری از زمان دانش آموزان در مدرسه، ترویج علاقه به پیشرفت تحصیلی عامل مهمی است که به نوبه خود از سهم وسایل ارتباط جمعی، محیط و حتی خانواده می‌کاهد. دانش آموزان این کار را با کنترل وقتشان آغاز می‌کنند و معلم با کنترل نمرات. با اتمام در جهت پیشرفت تحصیلی دانش آموزان طبیعتاً این سهم از زمان که متاثر از عوامل خارج از مدرسه می‌شود نیز به مطالعه متون درسی مرتبط با مدرسه، حضور در کلاس‌های کمک آموزشی و انجام تکالیف مربوطه اختصاص می‌یابد. به همین سیاق اگر هنجارهای اجتماعی مدرسه که هماهنگ با هنجار ارزشی پیشرفت تحصیلی است سهم بیشتری از ساعات زندگی دانش‌آموزان را کنترل کند، نمره پیشرفت تحصیلی نمایشی از میزان هم‌نوایی با هنجارهای مدرسه ای است. در گذشته به دلیل همین ویژگی، آموزش و پرورش اساساً به عنوان نهادی محافظه کار مورد اعتنا بوده ولی امروزه این روند تغییر کرده است. اگرچه ارزیابی دقیق نقش و تاثیر آموزش و پرورش در نظام اجتماع کار دشواری است، با این وجود، شاید بتوان با ملاحظاتی از آن سخن به میان آورد. چنین مطالعاتی به کارگزاران آموزش و پرورش کمک می‌کند که از نقش‌ها و وظایف گوناگون موجود در محیط های آموزشی در ارتباط با اهداف آموزش و پرورش تصویر درستی به دست آورند و ضرورت ایجاد هماهنگی بین انتظارات مختلف را درک نمایند. این تحقیق موضوع تبدیل سرمایه های فردی به سرمایه های اجتماعی را مورد مطالعه قرار داده، استفاده از نتایج و یافته های آن در زمینه اثرات متقابل

پیشرفت تحصیلی و ناهنجاری اجتماعی، تصمیم گیری و برنامه‌ریزی آینده نگرانه تری را ممکن می‌سازد. مسئله اصلی این مقاله سنجش تاثیر پیشرفت تحصیلی بر کاهش ناهنجاری اجتماعی دانش آموزان است که از پایان نامه نگارنده همین مقاله با همین عنوان به راهنمایی استاد خانم دکتر افسانه وارسته فر بهره می‌گیرد.

اهداف پژوهش

با گسترش زندگی جمعی و کاهش کنترل گروه‌های غیررسمی، انطباق با هنجارهای اجتماعی مشکل‌تر و مهم‌تر شده است زیرا در جوامع گسترده موجباتی فراهم می‌شود که کنشگران می‌توانند بیش از جوامع بسته از هنجارها تخطی نمایند. برای توجیه این امر می‌توان گفت که در چنین جوامع متکثری هنجارهای مورد تبعیت گروهی به هیچ وجه مورد احترام دیگران در همان جمع قرار نمی‌گیرد و نتیجه این نابسامانی می‌تواند به بی‌هنجاری (anomy) فراگیر بیانجامد (فراجاد، ۱۳۷۴: ۲۱۴). بنابراین در جوامع گسترده برای ساماندهی جامعه پذیری و کنترل هنجارها نهادهای موثر اجتماعی می‌بایست با رویکردی علمی و متقن به فعالیت مضاعف بپردازند.

اعمال محدودیت و کنترل اجتماعی برای رسیدن به توسعه اصلی بدون منازعه است ولی اعمال کنترل بر خود برای ایجاد وفاق اجتماعی از نوع پلیسی کارایی لازم را نداشته و مستلزم صرف هزینه بیشتری است. بلکه یادگیری توافقی ارزشی و هماهنگی اجتماعی که در جریان جامعه‌پذیری در محیط‌های اجتماعی و به‌خصوص در مدارس که به آن وجدان^۱ و یا وجدان جمعی^۲ و فراخود گفته می‌شود، به مراتب بسیار کم هزینه‌تر و کاراتر از اعمال کنترل بیرونی است. معمولاً افراد هنجارگریز توانایی کنترل کنش‌های جمعی خودشان را کمتر در دست دارند و به اصطلاح از وجدان جمعی کمتری برخوردارند. در جامعه امروز برای بقای وحدت اجتماعی چاره‌ای جز شناخت آگاهانه شکاف‌های ارزشی اجتماعی و رفع نمودن آن با انسجام توان و سرمایه‌های فردی و نیل به افزایش سرمایه‌های اجتماعی نیست. رشد نهادهای آموزشی و علمی می‌بایست به‌طور واقعی زمینه‌ساز پرورش با تحرک ذهنی و قابلیت‌سازگاری هنجاری باشد تا با

۱. conscience

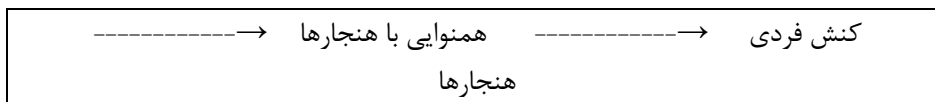
۲. superego

درونی سازی باورهای مناسب برای توسعه انسانی و اجتماعی، دور و تسلسل متقابل میان کاهش همبستگی آنها را باطل سازیم. در حالی که نزدیک به یک سوم از آثار علمی مرتبط به آموزش و پرورش به موضوع پیشرفت تحصیلی می‌پردازد، نکته مشترک این تحقیقات بررسی پیشرفت تحصیلی به‌عنوان متغیر وابسته است که نشان می‌دهد تأثیر بسیاری از عوامل مستقل بر پیشرفت تحصیلی سنجیده شده ولی تأثیر متقابل پیشرفت تحصیلی در این تعاملات در نظر گرفته نشده است. هدف این مقاله پرداختن به تأثیر پیشرفت تحصیلی به‌عنوان شاخص سنجش سرمایه‌انسانی بر کاهش ناهنجاری اجتماعی به‌عنوان شاخص سنجش سرمایه اجتماعی در جامعه‌ای است که با سرعت شتابان به افزایش پیشرفت تحصیلی در سطح همگانی دست یافته تا راهگشای پیش‌بینی نتایج بسیاری از برنامه‌های طرح شده و شناخت شکاف‌های ارزشی موجود در این جامعه گردد. به خصوص چون بررسی این رابطه در مقطع سنی ۱۲ تا ۱۴ سال که برش سنی نوجوانی را با همه ویژگی‌های منحصر به خودش در بر گرفته، انجام شده از بسیاری از سوگیری در نتایج به‌دست آمده مصون می‌باشد و تأثیر بسیاری از عوامل جانبی مانند وضعیت تاهل، پایگاه شغلی و ... کنترل شده و نتایج دارای اعتبار و مقبولیت بیشتری می‌گردد.

مبانی نظری

جامعه‌شناسی آموزش و پرورش عبارت است از تحلیل علمی الگوها و فراگردهای اجتماعی متداخل در نظام آموزش و پرورش. تحلیل‌ها عمدتاً متمرکز بر سه زمینه اصلی نظام‌های بزرگ آموزش و پرورش، نهادهای آموزشی خاص و تعامل در محیط‌های آموزشی می‌باشد (علاقه بند، ۱۳۸۲: ۱۹-۲۰). این پژوهش به زمینه سوم (تعامل در محیط‌های آموزشی) توجه دارد. افراد به‌عنوان کنشگران اجتماعی خردترین سطح در جامعه‌شناسی و نقطه توقف طبیعی برای مطالعه در علوم اجتماعی هستند، اگرچه در علوم رفتاری دیگر مانند روانشناسی، تفکرات فرد و حتی بخشی از آن مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. بنابراین تبیین جهت‌گیری و کنش‌های موجود در سیستم به وسیله مشاهده و مطالعه افراد، نیل به تبیین استوارتر و بنیادی‌تری را موجب می‌گردد. تعیین هنجارها از بعضی جهات، نمونه نخستین انتقال از سطح خرد به سطح کلان است. انتظار می‌رود که کنش‌های متقابل نمادین در آموزش و پرورش، هنجارهایی نظیر احترام به اقتدار مشروع و اطاعت از قانون را نزد کنشگران جامعه‌ی خود حفظ و تحکیم نماید. از سوی

دیگر موجبات رشد و توسعه اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جامعه کلان را در بلندمدت فراهم سازد.



نمودار ۱: روابط سطوح خرد و کلان در ظهور هنجارها

در این رابطه یک تحول مهم در علم اقتصاد، در نیم قرن گذشته، ارتباط ویژه ای با جامعه شناسی آموزش و پرورش یافته است. این تحول تحت عنوان سرمایه انسانی^۱ یا سرمایه گذاری انسانی^۲ در آموزش و پرورش شهرت یافته و آموزش و پرورش را اساساً به منزله نوعی سرمایه گذاری از سوی جامعه و فرد تلقی می‌کند. برای جامعه، بازدهی سرمایه گذاری در آموزش و پرورش، دستیابی به نیروی کار با سطح مهارت و شایستگی فنی بالاتر و قدرت تولیدی فزاینده است که به نوبه خود تداوم توسعه و رشد اقتصادی- صنعتی را ممکن می‌سازد. پیشرفت تحصیلی به عنوان مولفه ای اصلی برای سنجش سرمایه انسانی با شاخص‌های افزایش دانسته‌ها، مهارت‌ها و تسلط به منابع آموزشی دانش آموزان مورد توجه بوده و برای افراد، بازدهی تحصیلی به صورت درآمد و پایگاه اجتماعی مطلوب‌تری است که بر اثر کسب مهارت و شایستگی علمی و فنی برای او میسر می‌شود (پاولکو، ۱۹۶۸، علاقه بند، ۱۳۸۲: ۸۵).

در حالی که سرمایه انسانی کمتر از سرمایه های فیزیکی ملموس است و در مهارت‌ها و دانشی که فرد کسب کرده تجسم می‌یابد، رویکرد دیگری با عنوان سرمایه اجتماعی پا به ادبیات جامعه‌شناسی آموزش و پرورش گذارده که حتی کمتر از این حدقابل مشاهده است؛ زیرا در روابط میان افراد نهفته می‌باشد. سرمایه انسانی در اختیار کنشگر است و سرمایه اجتماعی در خط ارتباطی بین کنشگران است (کلمن، ۱۳۷۷: ۴۶۵). اگرچه سرمایه اجتماعی منبع ارزشمندی است ولی به آسانی قابل مبادله نبوده و با برقراری هنجارهای اجتماعی مشاهده و با سنجش ناهنجاری اجتماعی کنشگران ارزیابی می‌شود. دانش آموزان در مدرسه به مرور، رویکرد خاصی نسبت به زندگی و نگرش خاصی نسبت به تحصیل و یادگیری پیدا می‌کنند. نظریه بازآفرینی فرهنگی^۳ نیز به ارتباط سرمایه انسانی و سرمایه اجتماعی در نهاد آموزش و پرورش

۱. human capital

۲. human investment

۳. cultural reproduction

توجه داشته و به تنظیم چارچوب نظری این نوشتار کمک کرده است. سرمایه اجتماعی هنگامی به وجود آمده و یا توسعه می‌یابد که روابط و هنجارهای اجتماعی میان کنشگران به شیوه‌ای دگرگون شود که کنش‌های آنان را تسهیل نماید. این راهبرد کوششی غیرمستقیم است که با درونی کردن هنجار تلاش برای رسیدن به پیشرفت تحصیلی، به درونی کردن هنجارهای اجتماعی بیشتری بیانجامد. (کلمن، ۱۳۷۷: ۴۵۱ - ۴۵۲).

با این دیدگاه در فرض نخست شکاف بین ارزش‌های آموخته شده در مدرسه با ارزش‌های عینی در جامعه یکی از دلایل عدم کنترل بر خود براساس توافق ارزشی در هنجارهای مدرسه‌ای است. در این صورت کنشگران درمی‌یابند که جامعه در تقسیم فرصت‌ها و سرمایه‌ها غالباً بر اساس ارزش‌های توافق‌شده شایسته سالارانه رفتار نمی‌کند. بلکه تصادف و شانس، دروغ و رانت خواری، روابط نَسَبی در آن دخیل می‌باشد. با چنین نگرشی ارزش‌ها و آموزش‌های مدرسه‌ای زیر سوال می‌رود. وقتی فرد تصور می‌کند که راه‌های سهل‌تری او را به استفاده از دستاوردهای اقتصادی و اجتماعی جامعه می‌رساند؛ این نگرانی وجود دارد که تلاش‌های ارزشی از جمله کنترل خود و افزایش پیشرفت تحصیلی ابزار مناسبی برای رسیدن به موقعیت و وضعیت اجتماعی رضایتبخش تعریف نشود و تخطی از هنجارها و به‌سخره گرفتن توافقات ارزشی آسان می‌نماید. روابط اعتماد و قوانین حاکم بر ارتباط کمرنگ شده و در این حالت شکاف بین توافق ارزشی در جامعه با نظام ارزشی مورد توافق مدرسه‌ای مشاهده می‌شود.

دیدگاه دوم این که اگر داخل فضای مدرسه، شکاف بین آموزش‌های علمی و عمومی وجود داشته باشد نیز توافق‌های ارزشی مورد احترام اکثریت به‌دست نمی‌آید. یعنی از مدیریت سرمایه‌های انسانی مبتنی بر تخصص دانش‌آموختگان به افزایش سرمایه‌های اجتماعی مبتنی بر روابط اعتماد و اقتدار متقابل نخواهیم رسید. مفهوم یادگیری را اگر تغییر رفتار از طریق انتقال تجربه تعریف کنیم مشاهده می‌کنیم که ارزشیابی پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان در مدارس از راه افزایش محفوظات ذهنی به‌ویژه در موضوعات رفتاری مانند تعلیمات اجتماعی، به نوعی سوگیری از فرآیند یادگیری است. به همین خاطر حتی اگر شکاف بیرونی ارزش‌های مدرسه‌ای با جامعه رد گردد و افزایش پیشرفت تحصیلی به عنوان ارزش مورد توافق برای به دست آوردن اقتدار در نظر گرفته شود؛ باز هم بستر مناسبی برای ایجاد روابط اقتدار و اعتماد متقابل فراهم نشده و برعکس به فردگرایی فزاینده می‌انجامد.

نتایج تحقیق حاضر در صورت تایید فرض همبستگی معنادار بین تغییرات پیشرفت تحصیلی با ناهنجاری اجتماعی، نشان از شکاف بیرونی نظام آموزش و پرورش با تجربیات ملموس اجتماعی دانش آموزان دارد و در صورت رد این فرض شکاف درونی نظام آموزش و پرورش را در تعلیمات علمی و عمومی می نمایاند. در هر دو صورت آموزش و پرورش می بایست برنامه هایی برای رسیدن به بهبود وضعیت طراحی و اجرا نماید که نتایج این تحقیق می تواند مرجع موثری در تعیین پیش فرض های آن طرح ها و برنامه های فرهنگی و پرورشی باشد.

روش شناسی

پژوهش از نظر روش جمع آوری اطلاعات، پیمایشی^۱ و از نظر طرح تحقیق آزمونی است. زیرا در کنار توصیف وضع موجود و استفاده از روشهای آمار توصیفی مانند نسبت و درصد، به بیان همبستگی بین دو پدیده با محاسبه ضریب همبستگی خی دو و کنترل این ارتباط با متغیر کنترل (جنسیت) می پردازد. از نظر روش کنترل متغیرها، غیرآزمایشی و از نوع همبستگی است. زیرا بدون دستکاری و مداخله مستقیم، درباره روابط بین متغیرها به طور همزمان استنباطهایی به عمل می آید. از نظر هدف، کاربردی است زیرا نتایج این تحقیق می تواند راهنمای برنامه ریزان بوده و به کار آید.

روش جمع آوری داده ها به وسیله پرسشنامه محقق ساخته از نوع پاسخهای بسته به دست آمده و به شیوه چهره به چهره^۲ تکمیل شده و پرسشگر، پاسخگویان را نسبت به آن توجیه نموده است. زیرا با توجه به سن پرسش شوندهگان، دادن پاسخ های شوخی و درک متفاوت از یک عبارت احتمال زیادی دارد. پرسشنامه های استاندارد می که در این زمینه ارائه شده دارای کاستی هایی بوده و اطلاعات لازم برای رسیدن به نتیجه متناسب با گروه هدف را در اختیار پژوهشگر نمی گذارد لذا دارای اعتبار لازم برای این تحقیق نمی باشد. اعتبار پرسشنامه محقق ساخته درخصوص روایی^۳ با دقت در روش نمونه گیری و تعیین حجم نمونه و پرسش مطابق نمونه های معرفی شده کنترل شده است. روایی درونی به وسیله کنترل عوامل ناخواسته محیطی موثر بر متغیر وابسته تأمین شده است. مفهوم متغیر مداخله در این تحقیق خودپنداره در نظر

۱. survey

۲. face to face

۳. validity

۴. reliability

۵. hallow effect

۶. academic achievement

گرفته شده است. در این تحقیق افزایش پیشرفت تحصیلی، انگیزه‌ها و پنداره‌ها، وضعیت و موقعیت جدیدی برای دانش آموز به وجود می‌آورد که به کاهش ناهنجاری اجتماعی می‌انجامد. پایایی^۴ پرسشنامه با اجرای پیش‌آزمون در گروه گواه و محاسبه آلفای گرانباخ با اعتبار ۷۰ درصد پایایی سنجی شده و خطای‌هاله‌ای^۵ با تمهید تکمیل پرسشنامه توسط خود دانش آموز کنترل شده و با ذکر مقدمه‌ای برای برقراری ارتباط و توجیه پاسخگو، مطلب را آغاز کرده ایم. پاسخ‌ها در طیف لیکرت که با مقیاسی توصیفی، ساده و قابل تعریف قابلیت انجام تحلیل روابط را به محقق می‌دهد، تنظیم شده است.

بنابه تعریف، پیشرفت تحصیلی^۶ به‌عنوان متغیر مستقل، تسلط بر اطلاعات و دانش‌های نظری در یک زمینه معینی می‌باشد (شریفی، ۱۳۸۰: ۴۸). پیشرفت تحصیلی معمولاً به عنوان یک متغیر کمی - فاصله‌ای در نظر گرفته می‌شود و برای محاسبه آن از میانگین نمرات امتحانی در یک دوره تحصیلی استفاده می‌کند (همان: ۵۵). برای اندازه‌گیری پیشرفت تحصیلی روش‌های دیگری نیز به کار برده شده است؛ از جمله استفاده از میانگین سه درس اصلی (سادات، ۱۳۷۷) یا استفاده از معدل نمرات سال قبل همراه نوبت اول سال جاری (برات وند، ۱۳۷۶) و یا نمره خام دروس را با میانگین نمرات سنجیده و دروسی را که همبستگی منفی و معنی‌داری دارند از جمع نمرات برای محاسبه میانگین حذف نموده، به این ترتیب شاخص پیشرفت تحصیلی را تعدیل نموده اند (قاجارگر، ۱۳۷۳). به هر حال، سنجش پیشرفت تحصیلی در این مطالعه، در دو بعد تعریف شده است. اول: از سنجش وضعیت تحصیلی دانش‌آموزان با توجه به معدل کل سال تحصیلی پیشین به دست می‌آید. دوم: در بعد افزایش سنوات تحصیلی مطرح می‌گردد. به این معنی که هر چه سال‌های تحصیلی افزایش یابد سطح سواد افزایش یابد؛ و افزایش سنوات درسی نوعی پیشرفت در تحصیل است.

در خصوص متغیر وابسته یعنی ناهنجاری اجتماعی^۱ و دیدگاه‌های نظری مرتبط با آن، با وجود این که به طور نسبی مفهومی نوظهور است، آثار قابل ملاحظه‌ای راجع به آن تهیه شده و تحقیقات بسیاری در این رابطه در دست انجام است. به نظر می‌رسد معرفی گستره مفهومی ناهنجاری اجتماعی عمیق‌تر از ناهمگونی ظاهری مانند استفاده از حجاب و پوشش اجتماعی ناهنجار است و با کمک گرفتن از نظریات مطرح جامعه‌شناسی لایه‌های درونی‌تر آن روشن می‌شود. هنجارهای اجتماعی به عنوان اجزای شاکله سرمایه اجتماعی می‌تواند روابط دوسویه و

۱. social abnormality

متوازی از اقتدار و اعتماد متقابل ایجاد نماید. باید دانست زمانی که ما در مورد هنجارهای اجتماعی صحبت می‌کنیم توجه داریم که هنجارها و رفتارهای اجتماعی در جوامع خرد و کلان مختلف گوناگون است (فرجاد، ۱۳۷۱: ۱۶). ناهنجاری اجتماعی را در لغت به معنی فقدان سازگاری با ساخت کلی یک نظام می‌توان تعریف نمود. برای ارائه تعریف عملیاتی از ناهنجاری اجتماعی با بهره از دیدگاه فوکویاما، سرمایه اجتماعی با مقیاس منفی سنجیده شده است (فوکویاما، ۱۳۷۹: ۱۹)، بدین روش که از مفاهیم شعاع اعتماد و شعاع بی‌اعتمادی که درباره نحوه ارتباط اعضای گروه با هم و با غیر هم‌گروهان استفاده شده است و فرمولی که برای محاسبه کل سرمایه اجتماعی (SC) ارائه می‌دهد به کار گرفته می‌شود (شارع‌پور، ۱۳۷۹). البته پیش از هر چیز، لازم است مفهوم شخصیت ناهنجار اجتماعی از شخصیت ضد اجتماعی^۱ متمایز شود. شخصیت ضد اجتماعی مستعد ارتکاب قتل، دزدی، هتک عفت عمومی و مخالفت با موازین قانونی است (شکیب‌پور، ۱۳۵۱: ۲۹۴). ولی شخصیت ناهنجار اجتماعی روابط مبتنی بر اعتماد و اقتدار دوسویه را سست می‌نماید. در این تحقیق نیز ناهنجاری اجتماعی از همین دو بعد شامل ابعاد روابط اقتدار دوسویه و روابط اعتماد دوسویه ارزیابی شده است.

روابط اقتدار دوسویه به مولفه‌های سه‌گانه؛ ستمگری، فاصله از قدرت و منفعت طلبی تعریف می‌شود.

روابط اعتماد دوسویه به مولفه‌های سه‌گانه؛ پنهانکاری، فردگرایی و پوشیده‌گویی تعریف می‌شوند.

هر یک از مولفه‌های معرفی شده با شاخص‌هایی سنجش می‌شود که به شرح زیر خلاصه شده و برای هر یک از شاخص‌های بیان شده، رفتاری تعریف شده است که پرسشنامه را تشکیل می‌دهد:

ستمگری با شاخص‌های زورگیری، ناسزاگویی، ستم‌پذیری. فاصله از قدرت با شاخص‌های پرهیز از مشارکت در کار گروهی، پرهیز از مشارکت در مدیریت و انزوا طلبی. منفعت طلبی با شاخص‌های همگرایی بر اساس سودجویی اقتصادی و علمی، قدرت و فرصت طلبی.

۱. antisocial

۲. salary

پنهانکاری با شاخص های دروغ‌گویی، مسئولیت‌ناپذیری در امانت‌داری و دزدی. فردگرایی با شاخص های قوم‌گرایی، ترجیح بر اساس وضعیت اقتصادی و اجتماعی و همگرایی مذهبی و پوشیده‌گویی با شاخص های کنایه‌گویی، مسخره‌گویی و بدگویی (غیبت).

برای کنترل متغیرهای هوشبهر و همسانی آموزش‌های عمومی مدرسه، مدارس تیزهوشان، غیرانتفاعی و استثنایی از نمونه‌گیری حذف شده و با انتخاب حجم نمونه از مدارس دولتی که دانش‌آموزان با شرایط عادی و آزاد در آن تحصیل می‌کنند متغیرهای متداخل قشر اجتماعی که در بسیاری از تحقیقات اجتماعی با شاخص‌هایی از قبیل سطح درآمد^۲ نشان داده می‌شود نیز کنترل شده است (شریعتی، ۸۳: ۲۵).

در این تحقیق تأثیر جنسیت بر رابطه دو متغیر اصلی تحقیق را در یک فرض جانبی با تفکیک پاسخنانه‌ها بر اساس جنسیت به بررسی گزارده ایم.

جامعه آماری برپایه اطلاعات ارائه شده از مرکز آمار معاونت پژوهش، برنامه‌ریزی و منابع انسانی سازمان آموزش و پرورش شهر تهران، ۳۸۸۷۷۰ دانش‌آموز مقطع راهنمایی تحصیلی در هزار و چهارصد و هفتاد و شش آموزشگاه شامل همه دانش‌آموزان مقطع راهنمایی تحصیلی شهر تهران می‌باشد. نمونه‌گیری در این تحقیق به روش «چندمرحله‌ای» صورت گرفته است. مرحله نخست به روش غیرتصادفی مناطق ۴ و ۱۱ از مناطق شهر تهران به روشی موسوم به «نمونه‌گیری برپایه تشابه متغیرهای اصلی»^۱ یا «هدفمند» انتخاب شده، در مرحله دوم از روش سهمیه‌ای^۲ در مناطق نمونه (۴ و ۱۱)، برای تعیین تعداد و نسبت جنسیتی دانش‌آموزان استفاده شده است. در معرفی توزیع نمونه‌ها، علاوه بر منطقه شهری، نسبت درصدی پایه تحصیلی و شکاف جنسیتی نیز در نظر گرفته شده است. در مرحله نهایی به روش تصادفی^۳ نمونه آموزشگاه‌های هر منطقه و دانش‌آموزان در هر آموزشگاه تعیین شده است که حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران ۱۹۵ نفر می‌باشد. روش‌های آماری و تحلیل اطلاعات: داده‌های استخراج شده از پرسشنامه رتبه‌دهی و نمره‌گذاری شده، وارد نرم افزار SPSS می‌گردد. سپس جدول دو متغیره (دو بعدی) ناهنجاری اجتماعی و پیشرفت تحصیلی ترسیم شده و پس

۱. Purposive sampling

۲. Quota sampling

۳. Random

از توصیف نتایج به دست آمده، ضریب همبستگی بین این دو پدیده کندال (خی دو)، محاسبه گردید.

یافته ها

پیشرفت تحصیلی: جمع بندی سه مولفه مورد بررسی نشان می دهد بیش از نیمی از پاسخگویان (۵۰/۳ درصد) از افزایش پیشرفت تحصیلی بالایی برخوردارند (کسب امتیاز پنجم در این محاسبات). نزدیک به نیم دیگر (۴۴/۱ درصد) دارای افزایش پیشرفت تحصیلی متوسط بوده اند (امتیازهای دوم تا چهارم) و تعداد کمی از جامعه آماری (۵/۶ درصد) با کسب یک امتیاز میزان پایین پیشرفت تحصیلی را کسب نموده اند. بنابراین می توان گفت در کل افزایش پیشرفت تحصیلی پاسخگویان مشاهده می شود.

ناهنجاری اجتماعی: جمع بندی نمره رفتاری هریک از شاخص های مورد ارزیابی و محاسبه رتبه هریک از مولفه های سازنده ابعاد مورد سنجش، در کل نشان می دهد ۵۴/۴ درصد یعنی بیش از نیمی از پاسخگویان رتبه متوسط از ناهنجاری اجتماعی را در کنش های خود تایید داشته که گزینه های به ندرت، گاهی و اغلب را در برابر پاسخ به گویند های مورد پرسش انتخاب نموده بودند. ۳۵/۴ درصد از پاسخگویان به طور مطلق و با انتخاب گزینه همواره، وجود رتبه بالا از ناهنجاری اجتماعی را در کنش های خود ابراز داشته اند. در این حال تنها ۱۰/۳ درصد از پاسخگویان گزینه هرگز را نسبت به گویند های رفتاری ناهنجاری اجتماعی را اظهار کرده اند.

بنابراین به طور متوسط میزان ناهنجاری اجتماعی پاسخگویان را دارای رتبه متوسط می توان توصیف نمود. البته انتخاب گویند همواره برای اتصاف به رفتار ناهنجاری اجتماعی توسط ۳۵/۴ درصد پاسخگویان در برابر ۱۰/۳ درصد پاسخ هرگز به آن نیز با توجه به تایید افزایش پیشرفت تحصیلی در کل، محل تامل می باشد.

این گفتار به نتایج تحلیلی اختصاص دارد و متناسب با فرضیات تحقیق، از آزمون کی دو یا استقلال (χ^2) و ضریب همبستگی کندال تای بی استفاده می گردد.

فرضیه اول: «بین میزان پیشرفت تحصیلی و میزان ناهنجاری اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد» با توجه به مقدار (χ^2) (۳ / ۹۶) با درجه آزادی (۴) با آلفای (۰/۴۱) می توان گفت که بین دو متغیر "میزان پیشرفت تحصیلی" و "میزان ناهنجاری اجتماعی" رابطه معناداری وجود ندارد که این نتیجه ما را به تایید فرض H. و رد فرض H_۱ رهنمون می سازد.

بنابراین می‌توان در نتیجه آزمون فرضیه «بین میزان پیشرفت تحصیلی و میزان ناهنجاری اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد» گفت که این دو متغیر رابطه معناداری با هم نداشته، بلکه دو متغیر مستقل از هم هستند.

پژوهشگر برای تدقیق بیشتر نتایج به دست آمده، ضریب همبستگی میزان ناهنجاری اجتماعی را با یکایک شاخص‌های پیشرفت تحصیلی شامل پایه تحصیلی و معدل سال قبل محاسبه نمود که نتایج حاصله به شرح زیر آمده است:

هر چند پایه تحصیلی، همبستگی با ناهنجاری اجتماعی ندارد و لیکن معدل سال قبل با میزان ناهنجاری اجتماعی ارتباط دارد. این ارتباط هر چند در سطح ۹۹ درصد معنی دار نیست و لیکن در سطح ۹۵ درصد همبستگی متوسطی را نشان می‌دهد و معنی دار است.

فرضیه جانبی: «متغیر جنسیت، تأثیری در رابطه پیشرفت تحصیلی و میزان ناهنجاری اجتماعی دارد.»

با اذعان به مقدار $(\chi^2)(7/85)$ به درجه آزادی (۴) با آلفای (۰/۱۰) می‌توان گفت که بین پیشرفت تحصیلی و میزان ناهنجاری اجتماعی برحسب دختر بودن رابطه ای وجود ندارد. به علاوه با $(\chi^2)(0/60)$ با درجه آزادی (۴) با آلفای (۰/۹۶) باید گفت که بین پیشرفت تحصیلی و میزان ناهنجاری اجتماعی برحسب پسر بودن رابطه ای به چشم نمی‌خورد. پس می‌توان گفت که این فرضیه تایید شده است. بنابراین بین پیشرفت تحصیلی و میزان ناهنجاری اجتماعی برحسب دختر یا پسر بودن رابطه ای وجود ندارد.

بحث و نتیجه گیری

توسعه اجتماعی از طریق برنامه ریزی آموزشی هنگامی تغییرات مطلوب را به بار می‌آورد که هماهنگ و هم گام با تغییرات سایر اجزای جامعه صورت گیرد. افزایش پیشرفت تحصیلی خواست‌ها و توقعاتی را در جامعه ایجاد می‌کند که کشور و دولت می‌بایست ظرفیت برآوردن آنها را داشته باشد (ازکیا، ۱۳۷۷: ۶۲-۶۳) در غیر این صورت خود به یک شکاف اجتماعی بدل می‌گردد. آنچه در مدرسه اتفاق می‌افتد بازتاب تمایل و تبادل نیروهای درونی مدرسه مانند کادر آموزشی و اجرایی، دانش آموزان، اولیای دانش آموزان و حتی فضای فیزیکی مدرسه با نیروهای بیرونی مانند نظام اجتماعی، شرایط سیاسی و اقتصادی و زمینه‌های کاربست علمی جامعه است. اگر آموزش تناسبی با نیازهای جامعه نداشته باشد پیشرفت تحصیلی بر دامنه

تضادهای بیرونی و درونی کنشگران می‌افزاید. در جامعه در حال تغییر، از آموزش و پرورش انتظار می‌رود در درجه اول مهارت‌ها و نگرش‌های لازم را برای رشد و توسعه اجتماعی موجب شده و در درجه دوم قابلیت‌های لازم برای سازگاری و انعطاف در برابر رویکردهای جدید و درگیر شدن با تغییرات را فراهم می‌سازد. در چنین حالتی خطر مهم ناسازگاری و ناهنجاری در سطح فرد و جامعه بروز می‌کند. در این مقاله رد فرضیه نخست به معنی تایید فرضیه دوم مبنی بر همسویی جامعه مدرسه با جامعه واقعی نمی‌باشد بلکه نشان دهنده مشکل مضاعف در هم‌نوایی اجتماعی بوده و حتی همسویی بین آموزش‌های علمی و عمومی در جامعه مدرسه ای نیز تایید نمی‌گردد. چنانچه بیان شد محاسبات مستدل برپایه داده‌های متقن، نشان می‌دهد فرضیه اول مبتنی بر وابسته بودن میزان ناهنجاری اجتماعی به متغیر مستقل پیشرفت تحصیلی نیز رد شده است یعنی رابطه و هم‌تغییری معنی داری بین این دو عامل مشاهده نمی‌گردد. بنابراین می‌توان گفت در جامعه ایرانی میزان پیشرفت تحصیلی و ناهنجاری اجتماعی به طور همزمان دچار تغییر شده اند ولی این تغییر همسو نبوده و افزایش پیشرفت تحصیلی موجب کاهش ناهنجاری اجتماعی نگردیده که این اگرچه نه در حد یک خطر است ولی سرمایه‌های اجتماعی را تهدید می‌نماید. هرچند تلاش‌های بسیاری صورت گرفته تا به توسعه زندگی فردی و اجتماعی برسیم و لیکن این تلاش‌ها بدون توجه به جنبه‌های اجتماعی و پرورشی مستقل از آموزش از جدیت کافی برخوردار نمی‌باشد. این دستاورد را می‌توان با استفاده از چارچوب نظری مقاله به صورت زیر تبیین نمود:

رویکرد سیستماتیک، الگویی به ما ارائه می‌دهد که طبق آن پذیرش یک هنجار مانند هنجار پیشرفت تحصیلی هزینه پذیرش هنجارهای دیگر را پایین می‌آورد. به بیان دیگر افزایش پیشرفت تحصیلی در یک سیستم تعریف شده به کاهش ناهنجاری اجتماعی می‌انجامد و در غیر این صورت یعنی نبود رابطه مکمل و متقارن بین عناصر سیستم، نشان از شکاف در ارتباط بین اجزا و تهدید و اگرایی سیستم است. شکاف بین سطح ارتباط پذیرش هنجار پیشرفت تحصیلی با کاهش ناهنجاری‌های اجتماعی در حقیقت بازتاب شکاف بین اجزای نهاد آموزش و پرورش در آموزه‌های علمی و عمومی است. چنین سیستمی در خطر واگرایی ماهوی قرار دارد. هر چه مدرک‌گرایی آموزشی افزایش یابد، نمره انضباط در تعیین میزان هنجارپذیری دانش‌آموزان اعتبار کمتری یافته و افزایش پیشرفت تحصیلی که شاخص توسعه سرمایه‌های انسانی است از افزایش مهارت‌های زندگی و توسعه سرمایه‌های اجتماعی بر پایه کاهش ناهنجاری‌های

اجتماعی دور می‌گردد. چنین توسعه انسانی به رشد فزاینده روحیه فردگرایی انجامیده و به سوگیری بیشتر پایه‌های اقتدار گرایش می‌یابد که در نتیجه اعتماد دو سویه نیز متزلزل می‌شود. در چنین حالتی می‌بایست دست اندرکاران امر به ترمیم سیستم آموزش کشور اولویت دهند تا نهادهای اجتماعی دیگر مانند نهاد خانواده و اقتصاد از کنش‌های ناهنجار مرتبط محفوظ بمانند.

از منظر رویکرد تضاد، شکاف بین آموزش‌های مدرسه‌ای و رسمی با آموزه‌های اجتماعی و غیررسمی به شکافی در درک دانش آموزان از وجهه‌ی هنجارهای پیرامونی شده که اعتماد متقابل را به نقطه صفر جهت داده و روابط اقتدار را جهت یک سویه متمایل می‌سازد. لذا در جامعه‌ای که بین هنجارهای مدرسه‌ای با دنیای واقعی زندگی همسویی مشاهده نشود علیرغم رشد سطح دانش‌های تخصصی افراد این دانایی‌ها هرگز به توانایی ملی مبدل نشده و به رشد اجتماعی منجر نمی‌گردد. دانش آموزان به جای شناخت منافع جمعی به سمت جلب منافع فردی علاقمند شده و آگاهی جمعی به ظهور نمی‌رسد. لذا هرچه جامعه رشد تحصیلی بیشتری می‌یابد، گسست اجتماعی در آن کمتر نمی‌شود و هنجارپذیری اجتماعی تابع یک عوامل دیگری که خارج از کنترل تدبیر نظام آموزشی - پرورشی است در جامعه تغییر سطح می‌دهد. یکی از راه‌های بررسی هر نظام اجتماعی نگرستن به آن به عنوان نظامی هنجاری در تعاملات متقابل است. رویکرد نظری کنش متقابل نمادین با توجه به کنشگران به عنوان آحاد عمل کننده و درک عوامل پنهان موثر مانند تفسیری که این کنشگران از موقعیت‌ها و وضعیت‌های خود دارند، به عنوان متغیر مداخله کننده، دیدگاه مناسبی برای ارزیابی تبیینی عمیق و روشن از یافته‌های تحقیق به دست می‌دهد.

هر گاه کنشگران در موقعیت مشابه عملکردی مغایر انتظار از خود نشان می‌دهند، تفاوت رفتاری را می‌توان در تفاسیر آنها از وضعیت خود جستجو نمود که در پیش‌بینی‌ها از نظر دور مانده است.

چنانچه در جامعه‌ای افزایش پیشرفت تحصیلی در اجزاء افزایش سرمایه‌های فرهنگی به شمار آید، با بالا رفتن سطح پیشرفت تحصیلی، فرهنگ جامعه (روش و ارزش‌های جامعه) ارتقاء یافته به افزایش سرمایه اجتماعی و کاهش ناهنجاری‌های اجتماعی می‌انجامد. لکن اگر کنشگر جامعه افزایش پیشرفت تحصیلی را در کسب مدرک و ابزاری برای تحقق منافع فردی و بهبود موقعیت اجتماعی خود تفسیر نماید آن‌گاه چنین توسعه انسانی ناگزیر به هماهنگی با بهبود

سبک زندگی^۱ و کاهش ناهنجاری اجتماعی که همبستگی با تفاسیر و اندیشه‌های دگرخواهانه دارد، نخواهد بود. در چنین حالتی توسعه منابع و سرمایه‌های انسانی که در این تحقیق با شاخص افزایش پیشرفت تحصیلی سنجیده شد با کاهش ناهنجاری اجتماعی که با شاخص دقیق سنجه نحوه توزیع قدرت و روابط متقابل هنجاری سنجش گردید، از این جهت رابط معنی داری را نشان نمی‌دهد.

رد فرضیه جانبی مورد مطالعه مبنی بر تأثیر متغیر جنسیت در رابطه بین متغیرهای مورد بررسی در این تحقیق مبین وجهه انسانی عوامل دیگر مؤثر بر پیشرفت تحصیلی و ناهنجاری اجتماعی است. در این خصوص تأثیر جنسیت در رابطه ای با سوگیری برخی ابعاد و شاخص‌های ناهنجاری اجتماعی مشاهده گردید و لیکن این روابط نیز هرگز به سطح معناداری نرسید و قابلیت تبیین نیافت. در کل برخلاف تفکر عامه که افزایش ناهنجاری‌های اجتماعی را با جنسیت پسران مرتبط می‌پندارند، میزان ناهنجاری اجتماعی و ارتباط آن با پیشرفت تحصیلی تأثیری از جنسیت نپذیرفته است و همچنان به عنوان دو مسئله برای کل جامعه اعم از پسران و دختران مطرح می‌باشد.

نتایج به دست آمده از این تحقیق در هر یک از رویکرد نظری که تبیین گردید نشان از ضرورت عزم ملی در بازنگری به آموزش‌های عمومی و اجتماعی دختران و پسران نوجوان جامعه دارد. تلاش یک سویه برای افزایش پیشرفت تحصیلی که همه عوامل در تأثیر بر آن سنجیده می‌شوند نتیجه ای جز مدرک گرایی و افزایش بحران اجتماعی در بر ندارد و چنین صحنه آرایبی نمایش بهینه در جامعه بر جا نمی‌گذارد.

به منظور کاهش ناهنجاری‌های اجتماعی در گام نخست می‌بایست به شناسایی عوامل و متغیرهای هم بسته و وابسته آن با انجام تحقیقات تکمیلی پرداخت. در گام دوم کلیه دروس مرتبط با موضوع که محتوای آموزش عمومی رسمی را تشکیل می‌دهند بازنگری نمود. در گام سوم برنامه ریزی مجدد و متمرکز برای ارتقای آموزش های عمومی با رویکرد کاهش ناهنجاری‌های اجتماعی انجام شود.

این مقاله فرصت مناسبی است که به پیشرفت تحصیلی نه به عنوان یک هدف غایی بلکه به عنوان یک مسیر برای توسعه فرهنگی جامعه نگریسته شود و تأثیر پیشرفت تحصیلی بر متغیرهای رفتاری دیگر اعم از فردی و اجتماعی سنجیده گردد.

منابع

فارسی

۱. ازکیا، مصطفی. (۱۳۷۷). جامعه شناسی توسعه. تهران: کلمه.
۲. برات وند، محمود. (۱۳۷۶). بررسی رابطه ساده و چند متغیری مقبولیت گروهی و عزت نفس با پیشرفت تحصیلی و سازگاری فردی و اجتماعی بین دانش آموزان پسر پایه سوم راهنمایی شهرستان اهواز. به راهنمایی حسین شکرشکن، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید چمران اهواز.
۳. پاشاشریفی، حسن و نسترن شریفی. (۱۳۸۹). روش های تحقیق در علوم رفتاری. تهران: سخن.
۴. دینی ترکمانی، علی. (۱۳۸۱). افول سرمایه اجتماعی. تهران: بنیان.
۵. رفیع پور، فرامرز. (۱۳۷۸). آنومی یا آشفتگی اجتماعی. تهران: شرکت سهامی سروش.
۶. سادات، نصراله. (۱۳۷۷). مقایسه دانش آموزان با مشکل رفتاری زیاد در زمینه پیشرفت تحصیلی در پایه پنجم ابتدایی شهر شیراز. به راهنمایی شهلا البرزی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز.
۷. سخاوت، جعفر. (۱۳۷۶). زمینه یابی ناهنجاری های اجتماعی دانش آموزان متوسطه شهر تهران. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی.
۸. سیف، علی اکبر. (۱۳۸۲). اندازه گیری سنجش و ارزشیابی آموزشی. تهران: دوران، چاپ سوم.
۹. شارع پور، محمود. (۱۳۷۹). فرسایش سرمایه اجتماعی و پیامدهای آن. کتاب ماه علوم اجتماعی، ۳۶ و ۳۷.
۱۰. شکیباپور، عنایت اله. (۱۳۵۱). دایره المعارف روانشناسی. تهران: فروغی.
۱۱. علاقه بند، علی. (۱۳۸۲). جامعه شناسی آموزش و پرورش. تهران: روان، چاپ پنجم.
۱۲. فرجاد، محمدحسین. (۱۳۷۱). آسیب شناسی اجتماعی و جامعه شناسی انحرافات. تهران: بدر، چاپ پنجم.
۱۳. فرجاد، محمدعلی. (۱۳۸۱). آموزش و پرورش در جهان نو. تهران: نشر رسانه الکترونیک.
۱۴. فوکویاما، فرانسیس. (۱۳۷۹). پایان نظم و سرمایه اجتماعی. تهران: نشر ایرانیا.

۱۵. قاجارگر، مرتضی. (۱۳۷۳). بررسی رابطه انگیزش و پیشرفت تحصیلی دختر و پسر دوره راهنمایی منطقه ۷ شهر تهران. به راهنمایی احمد آقازاده، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی.
۱۶. کلمن، جیمز. (۱۳۷۷). بنیادهای نظریه اجتماعی. تهران: نشر نی.